



تقی رحمانی

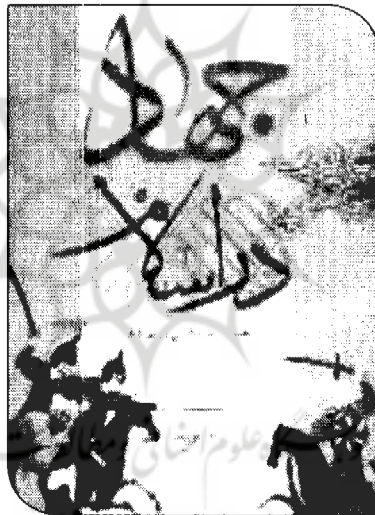
# جهاد ابتدایی و حقوق انسان و آزادی عقیده

نگاهی به کتاب «جهاد در اسلام» نوشته آیت الله صالحی نجف آبادی\*

کتاب جهاد در اسلام آیت الله صالحی نجف آبادی اثری مهم است؛ بررسی فصل‌های این اثر می‌تواند در بررسی مفاهیم مهمی چون جهاد، اسارت و غنیمت در اسلام مورد توجه قرار بگیرد. در این نوشتار به معرفی اجمالی کتاب، بویژه فصل جهاد آن پرداخته می‌شود. در مقدمه مقاله برخی شیوه‌های متفاوت برگرفته از متون مذهبی و سنت در برخورد با مفاهیم فوق را بررسی می‌کنیم.

بازخوانی می‌کند، اما نگاه سنتی دین که خاستگاه استدلالی و روش مشخصی برای بررسی متون دینی دارد در این مورد با روشنفکران متفاوت است، برای نمونه گرایش تاویلی-تطبیقی که روشنفکران مذهبی بخصوص شریعتی به آن وفادار بود در بررسی مفهوم جهاد ابتدایی دو عامل پیام دین و درک و علم خویش را در قضاوت درباره جهاد ابتدایی به کار می‌گیرد و به پاسخ می‌رسد، که در این مورد در جای خود سخن گفته‌ام و نوشته‌ام، برای نمونه روشنفکران مذهبی، قرآن را گفتمانی می‌دانند که باید آیات آن را در زمان و مکان آن درک کرد، اما اگر یک عالم حوزوی بخواهد جهاد ابتدایی را مورد بررسی قرار دهد روش کارش متفاوت است و اگر سودای طرح پرسش و نظر جدیدتری داشته باشد کارش بسیار دشوار است، وی باید از لابه‌لای متون فقهی بحث‌های کلامی عبور کند با قرآن، سنت و بزرگان دین، به تعامل نشیند و نیز افزون بر منابع به روش‌های سنتی طلبگی وفادار بماند تا نگاه جدید را خلق کند. بی‌گمان چنین معضلی را روشنفکران مسلمان ندارند، چون آنها شعار بازگشت به متن و سنت رسول الله را با توجه به علم و زمان می‌دهند و به سنت فقهی نگاه سندمحورانه ندارند.

آیت الله صالحی نجف آبادی که رحمت خداوند و درویدندگان خدا بر او باد، بی‌گمان در مورد نوآوری با توجه به سنت فقهی و کلامی



در نگاه سوم با توجه به باور زمانه کنونی و معیارها، به متون به عنوان یک تجربه نگاه می‌شود که این تجربه نمی‌تواند برای نظر ما مبنای تاویل یا تطبیق قرار گیرد، بلکه درک تاریخ گذشته ملاک است. هر سه نگاه در میان روشنفکران و عالمان مسلمان در جامعه ما طرفدارانی دارد، اگرچه نگاه سوم روشنفکرانه است. نگاه روشنفکران با توجه به جوهر و گوهر دین، چه با دید تاویلی و چه گرایش هرمنوتیکی تحلیلی-کمی تقاطعی از فهم جدید و قدیم است. با جهاد ابتدایی مخالف است و تحمیل عقیده را درست نمی‌داند، در نتیجه متون را با این دید

فهم دین مانند هر فهمی نیاز به ابزار خاص خود را دارد، بررسی قرآن، سنت و متون فقهی بشر نیازمند متد و روش است، اگر چه بینش با روش در ساز و کاری توأم، راه فهم را ممکن می‌کند.

به طور مشخص بررسی مفهوم جهاد به معنی جنگ و تحمیل برای جانداختن عقیده و باور در قرآن، سنت و متون فقهی نیازمند ورود روشمند در کنار پرسشی است که از متن مزبور داریم. اگر جهاد به معنی جنگ باشد آیاقتال برای ترویج دین واجب یا درست است؟ حداقل سه نوع ورود و روش همراه با بینش متصور خواهد بود:

۱-فهم اصولگرایانه و استدلالی  
۲-فهم تاویلی و تطبیقی و بررسی در زمان و مکان خاص

۳-فهم هرمنوتیکی-تاریخی  
در این سه روش، منابع و ابزار جابه‌جا می‌شوند و اولویت پیدا می‌کنند. در روش اول ابتدا منطق و اصول تلاش می‌کند شرایط تاریخی را درک کند و بعد نگاه خود را به جهاد ارائه دهد و پاسخ دهد که آیا جهاد برای ترویج عقیده درست است و در سنت پیامبر وجود داشته است یا خیر؟

در نگاه دوم درک شرایط تاریخی و جغرافیایی عمده می‌شود و با توجه به پیام دین به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا جهاد برای ترویج دین درست است یا خیر؟

سر آمد دوران ماست. شاید صالحی اوج پختگی اصولگرایی است که از آخوند خراسانی شروع شده و به وی ختم می شود.

صالحی نجف آبادی در کتاب مهم اما ناشناخته مانده جهاد در اسلام، دست به کار مهمی زده است و آن این ادعای مهم است که در اسلام جنگیدن و تحمیل عقیده نداریم. از نظر ایشان آیات قتال و جهاد مقیده یا عام هستند و آیات عام به وسیله مقیده محدود شده اند. وی مجموعه استدلال هایی در این مورد تدارک دیده که کلامی و فقهی است و به روایات و احادیث که تاریخی است استناد کرده آن گاه دیدگاه خود را بیان می کند.

او در کتاب جهاد در اسلام که گفته خودش پس از جنگ عراق علیه ایران نگاشته، تلاش می کند مفهوم جهاد ابتدایی «بغات» «به اسارت» و «غنیمت» در قرآن متون فقهی را مورد کاوش قرار دهد.

این کتاب همانند دیگر آثار صالحی که به باور نگارنده همچون نظام معتزلی در شیعه امامیه است وی را در میان عالمان حوزوی سر آمد می کند. بی گمان وی برای این جسارت و شجاعت خود هزینه بالایی پرداخته است و مصداق حدیث معروف «من كان من فقها» شد، که از هوای نفس دورند و حافظ حدود می باشند و از شجاعت برخوردارند.

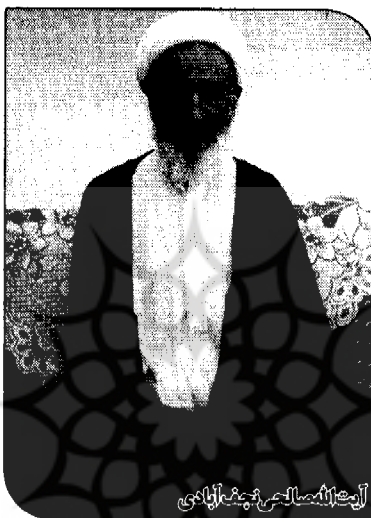
#### روش استدلالی صالحی

روش استدلالی منطقی صالحی، وی را گاه تا حد افراط موراز ماست کشیدن می برد و قدرت فوق العاده وی را در استدلال در کنار توان نقد و بررسی متون دین نشان می دهد و این امکان را برای وی فراهم می کند که مخالفان خود را در موقعیت پاسخگویی دقیق قرار دهد، اگر چه برخی به دلایل گوناگون به جای پاسخ به وی، نقد تندی کرده اند، در حالی که حق وی نقد بوده نه ناسزا.

کتاب جهاد در اسلام با همان رویه استدلالی و منطقی با توجه به قرآن و اصول کلی دین و سنت پیامبر و نقد و بررسی متون فقهی نوشته شده است، در عین حال می توان پنداشت که چرا کتاب چندان مورد توجه قرار نمی گیرد، زیرا از ویژگی های روشنفکرانه باب روز برخوردار نیست، یعنی مداهایی که می آیند و می روند بدون اینکه ریشه دار شوند.

این کتاب مورد توجه قرار نگرفته، چون صالحی نقد مهمی را بر متون فقهی مصطلح به عمل آورده است. فقهی که معتقد باشد گاه اجماع همه فقها هم می تواند خطا باشد و توان اثبات آن را نیز داشته باشد نمی تواند در مملکت و محل کار خود غریب نباشد.

شناخت اجمالی در بررسی جهاد در اسلام بسیار لازم است. باید توجه داشت که صالحی در کتاب جهاد در اسلام به مفاهیمی اعم از جهاد، اهل یغی، اسارت در جنگ و غنیمت می پردازد و در آغاز از آیات قرآن شروع می کند و بعد او معناساختی واژه به سنت یا مصداق های شأن



**صالحی نجف آبادی در کتاب مهم «جهاد در اسلام»، دست به کار مهمی زده است و آن این ادعای مهم است که در اسلام جنگیدن و تحمیل عقیده نداریم. از نظر ایشان آیات قتال و جهاد مقیده یا عام هستند و آیات عام به وسیله مقیده محدود شده اند. وی مجموعه استدلال هایی در این مورد تدارک دیده که کلامی و فقهی است و به روایات و احادیث که تاریخی است استناد کرده، آن گاه دیدگاه خود را بیان می کند**

نزول آیات می پردازد و سپس به تفسیر فقها از آیات مزبور و سنت پیامبر می رسد و با نقادی مهمی بسیاری از دیدگاه های فقهای اهل سنت و شیعه را به چالش می کشد و ملاکش قرآن و سنت رسول الله و رفتار ائمه دین است.

**بررسی اجمالی فصل «جهاد» کتاب «جهاد در اسلام»**

آیا از نظر اسلام جهاد برای تحمیل عقیده مجاز است؟ (ص ۱۵)

آیا در مقابل دشمن مهاجم، اولویت با صلح است یا جنگ؟ (ص ۱۶)

از نظر اسلام جنگ برای تحمیل عقیده مجاز نیست، زیرا طبق آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره ۲۵۶)، اجبار چه با تهدید باشد چه با جنگ نباید مبنایی برای تحمیل عقیده باشد.

در مقابل دشمن مهاجم اولویت با صلح است نه جنگ، «وَقَاتِلُوا هُمْ حَتَّى لَا تُكُونَ فَتْنَةً» (بقره: ۱۹۳)، بانبروهای مهاجم پیکار کنید تا وقتی که فتنه و بلایی که دشمن بر سر شمار ریخته از بین برود.

«فَإِن قَاتَلْتُمُوهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ» (بقره: ۱۹۱) جنگ را به تهاجم دشمن مشروط می کند. (ص ۱۶)

وقتی فتنه دشمن بر طرف شد دیگر جنگیدن مجاز نیست. (ص ۱۷)

«وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (انفال: ۶۱)، اگر دشمن به صلح تمایل نشان داد تو نیز آن را بپذیر و به خدا توکل کن.

«حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ» (انفال: ۶۵)، سوره انفال بیشتر در مورد جنگ بدر است.

اسلام صلح را به عنوان یک اصل زیربنایی در روابط اجتماعی می شناسد. (ص ۱۷)

آغاز حمله نظامی به دیگران به هر منظوری باشد مخالف فطرت انسان هاست اگر چه آن را جنگ دینی بنامند.

آیات جنگ با کفار به دو دسته تقسیم می شوند:

الف- آیاتی که قید و شرط جنگ در آنها ذکر شده است (مقیده)

ب- آیاتی که به طور مطلق آمده و قید شرطی در آنها نیست (مطلقه)

الف- آیات مقیده

- «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتَالُوا بَيْنَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰)،

در راه خدا با کسانی بجنگید که به شما حمله نظامی می کنند و تجاوز نکنید، زیرا خداوند تجاوز کاران را دوست ندارد.

جنگ باید در راه خدا و برای او باشد نه به منظور کشور گشایی یا انتقامجویی و یا اشباع غریزه جاه طلبی و برتری جویی استکباری.

با آنان که به شما حمله نظامی می کنند بجنگید البته مجاز بودن به حمله به دشمن مشروط به تجاوز آنهاست.

«وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَآخِرُ جُوهِمُ مِنْ حَيْثُ آخِرُ جُوهِكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لِأَنْتُمْ أَتْلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۱۹)، هر جا که آنان را ببینید بکشید و از همان جا که شما را بیرون کردند بیرون نشان کنید که فتنه از کشتن بدتر است و در نزد مسجد الحرام با آنان نجنگید مگر آنکه آنان با شما در آنجا بجنگند، پس اگر به شما حمله نظامی کردند آنان را بکشید که سزای مهاجمان این گونه است. (ص: ۲۲)

این آیه مسلمانان را از شروع جنگ نهی می کند.

«أَذِنَ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ آخَرُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ الْحَقِّ الْآنَ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَدَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ وَيَذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَيُنصِرُونَ اللَّهَ مِنْ نَصْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۳۹ و ۴۰)، به آنان که مورد هجوم نظامی واقع شده اند اجازه داده شده که برای دفاع از خود بجنگند به این دلیل که مظلوم واقع شده اند. بی شک خداوند بر نصرت آنان تواناست، هم آنان که از دیار خود به ناحق اخراج شده اند فقط به جرم آن که می گفتند پروردگار ما خدای یکتاست و اگر خداوند شر بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد صومعه ها، کنیسه ها، کشت ها و مساجد که در آنان فراوان نام خداوند است ویران می شد. همانا خداوند هر کس را که یاریش کند یاری می کند بی گمان که خداوند پر قدرت و با عزت است.

«فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره: ۱۹۴)، جنگ دفاعی یعنی اقدام به جنگ، مشروط به شروع تعدی از سمت دشمن.

### روش استدلالی منطقی صالحی، وی را گاه تا حد افراط موراز ماست کشیدن می برد وقدرت فوق العاده وی را در استدلال در کنار توان نقد و بررسی متون دین نشان می دهد و این امکان را برای وی فراهم می کند که مخالفان خود را در موقعیت پاسخگویی دقیق قرار دهد

ب- آیات مطلقه

«كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ» (بقره: ۲۱۶)

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» (نسا: ۷۴)، کسانی که زندگی را با آخرت مبادله می کنند باید در راه خدا بجنگند.

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ» (نسا: ۷۶)

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه: ۲۹)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (توبه: ۱۲۳)

«فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَخْتَمْتَهُمْ فَشُدُّوا الرِّبَاقَ فَمَا مِنْ بَعْدُ وَإِنِ امَّانُوا فَمَا مِنْكُمْ» (محمد: ۴)

پس وقتی با کسانی که کافرند برخورد کردید گردنشان را بزنید و چون آنها را بی حرکت ساختید اسیرشان کنید و محکم ببندید آنگاه باید آزاد کنید یا به فدیه. (ص: ۲۴)

آیات جهاد جنگ ابتدایی را تجویز نمی کند. (ص: ۳۶)

همه جنگ های پیامبر برای دفاع از حق و اهل آن و حمایت از دعوت از حق بوده است. (ص: ۳۱)

آیات جنگ در سوره آل عمران درباره جنگ احد است. آیات جنگ در سوره توبه در مورد مشرکان پیمان شکن و آغارگر جنگ است. آیات جنگ در سوره انفال در مورد جنگ بدر است.

شافعی می گوید همان طور که نماز و روزه بر مسلمانان واجب است جنگیدن به طور ابتدایی واجب شده است. (ص: ۴۰)

شیخ طوسی در کتاب «نهایه» آورده: جنگ با همه فرقه های کفار به عنوان جهاد واجب است و اگر کفار اسلام را قبول نکردند کشته می شوند و فرزندانشان اسیر می گردند، اموالشان مصادره می گردند که همان فتوای شافعی است. (ص: ۴۷) که نشانگر سلطه فقه عامه است.

ابن ادریس و علامه حلی و شهید ثانی صاحب «شرح لمعه» و «صاحب جواهر»، جنگ با کفار برای دعوت به اسلام را واجب می دانند. (ص: ۵۲) «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْخَيْرَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۵۲) «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كُفُورًا» (دهر: ۳)

فقهای شیعه جهاد را مشروط به امر امام معصوم ميسوط الید می دانند که اگر به حکم امام معصوم نباشد اساس جهاد مشروع نیست. آنها جهاد اصلی را جنگ ابتدایی با کفار می دانند و همین جهاد را مشروط به امر امام معصوم ميسوط الید می کند، ولی جنگ دفاعی که در مقابل هجوم دشمن صورت می گیرد مشروط به امر امام نیست، زیرا دفاع بیک ضرورت اجتناب ناپذیر است. (ص: ۶۴)

طبق فتوای امام شافعی و بالطبع شیخ طوسی سالی یک بار جهاد ابتدایی با کفار برای نشان دادن اقتدار واجب است.

شیخ طوسی می گوید بر امام واجب است که یا خودش یا با اعزام نیرو در هر سال یک بار به جنگ اقدام کند تا جهاد تعطیل نشود.

جمع بندی صالحی از فصل جهاد در اسلام بر چند محور استوار است: پذیرش دین با اکراه و اجبار نیست و این آیه قابل نقض نیست، چون اصول دین هم استدلالی و هم انتخابی است.

آیات مطلقه در مورد قتال و جهاد باید با آیات مقیده مورد بررسی قرار گیرند، در غیر این صورت معیار جنگیدن زیر سؤال می رود، چون جنگیدن برای دفع فتنه روی زمین یک مفهوم کلی است، نه پیامبر همیشه در جنگ بوده و نه این امر توقع خداوند از مسلمانان است و نیز با بسیاری از آیات قرآن همخوانی ندارد حتی مفهوم زمین در این آیه به جا و مکانی خاص متعلق است. همچنین جنگیدن در قرآن زمانی است که تهاجم آغاز می شود. صالحی

مثال می آورد پس از فتح مکه پیامبر اهالی مکه را مجبور به پذیرش اسلام نکرد، بلکه آنان را

آزاد کرد و حتی اسیر نیز نگرفت.

در ادامه صالحی به نقد نظر فقها درباره جهاد می‌رسد:

- جهاد وظیفه امام عادل است.

- مسلمانان باید در سال یکبار جهاد کنند.

- جهاد همانند روزه واجب است.

فرق فقهای شیعه با اهل تسنن آن است که ایشان جهاد را به اذن امام معصوم می‌دانند نه رهبر عادل.

صالحی یاد آور می‌شود که تحمیل عقیده باطل است و چنین برداشتی از قرآن و سنت رسول را در مورد تحمیل عقیده منطقی نمی‌داند. روش صالحی فقیهانه است، ولی نظر بسیاری از فقها را به چالش می‌کشد. گفت و گوی جدی فقها با صالحی به صورت جدی شکل نگرفته است.

برای باز کردن موضوع باید بگویم به عنوان یک روشنفکر مذهبی که طرفدار شناخت شرایط تاریخی و جغرافیایی صدر اسلام است و دیدگاه تأویلی - تطبیقی دارد و فقط به این رویداد به دید تجربه نبوی نگاه نمی‌کند، تفاوتی میان دیدگاه شریعتی و بزرگانی چون استاد مجتهد شبستری وجود دارد. حتی قرآن پژوهی مهندس میثمی و مهندس سبحانی مبتنی بر درک گفتمانی است که به روش تطبیقی - تأویلی نزدیک است، آنها معتقدند که اسلام با دعوت آغاز شد و پاسخ این دعوت، خشونت کفار مکه بود. مسلمانان ناچار به ترک مکه شدند و حتی اموالشان مصادره شد، در نتیجه مسلمانان برای گرفتن مالشان به کاروانی در مدینه حمله کردند که برای فروش اموالشان به راه افتاده بود. صالحی می‌گوید پیامبر حتی به کفار پیام صلح داد که نپذیرفتند، در نتیجه مسلمانان با کفار وارد جنگ شدند، جنگی طولانی که تافتح مکه ادامه یافت. تمام کشته‌های دو طرف از ۱۵۰۰ تن فراتر نرفت، ضمن این که پس از چندین سال تعداد شهدای مسلمان از تعداد کشته‌های کفار بیشتر بوده، پس جنگ‌های گذشته با شرایط حال قابل مقایسه نیست، در نتیجه جنگ میان کفار و مسلمانان یک واقعیت تاریخی بوده و شروع جنگ، با کفار بوده است، حتی سوره توبه که سرشار از مرزبندی است جنگ با کفاری که پیمان شکن نیستند را توصیه نمی‌کند. این

استدلال که زمانی که اسلام در مدینه مستقر شد شروع به جنگیدن کرد رانمی‌توان صحیح دانست، اما در نگاه تأویلی و تطبیقی اصول و استخوان بندی فقه در تمدن اسلامی در دوران اقتدار خلافت اسلامی پی ریخته می‌شود این اصول و مبانی به دلیل نزدیکی به حکومت و نیز به دنبال اقتدار جامعه اسلامی وارد تبیین روابط قدرت شده، در نتیجه جامعه مسلمانان را بر ایمان مسلمانی ترجیح داده و اولویت را حفظ ظاهر گرفته است، در حالی که سراسر قرآن به ایمان تکیه می‌کند، حتی پس از فتح مکه میان مسلمان شدن و مؤمن شدن تفاوت مرحله‌ای قائل است، اما فقهای اهل سنت و بعد فقهای شیعه نسبت ایمان و مسلمانی و جامعه و حکومت را تفکیک نکرده‌اند.

جهاد با کفار به معنی عدم توجه به حق انتخاب انسان‌هاست که ایمان با آن معنی می‌یابد و نیز جهاد کردن با جوامعی که بیشتر آنها اهل کتاب هستند نمی‌تواند امر درستی باشد، زیرا قرآن اهل کتاب را مؤمن می‌داند و به قرارداد و وفای به عهد پایبند است.

قرآن در دین اکراه را بساورد ندارد و ملاک را رشد و درک افراد می‌داند. این سخن و حکم شافعی که امام عادل باید سالی یکبار جهاد کند با سنت رسول الله همخوانی ندارد، چرا که مقصود امام شافعی ضرب شست نشان دادن به دشمنان حکومت است، در حالی که این تعریف از جهاد

**صالحی در کتاب جهاد در اسلام به مفاهیمی اعم از جهاد، اهل بغی، اسارت در جنگ و غنیمت می‌پردازد و در آغاز از آیات قرآن شروع می‌کند و بعد او معناسناختی واژه به سنت یا مصداق‌های شان نزول آیات می‌پردازد و سپس به تفسیر فقها از آیات مزبور و سنت پیامبر می‌رسد و با نقادی مهمی بسیاری از دیدگاه‌های فقهای اهل سنت و شیعه را به چالش می‌کشد و ملاکش قرآن و سنت رسول الله و رفتار ائمه دین است**

مفهوم قدرتی و سیاسی تحمیل عقیده از حیث دارد. در عین حال فقها میان دادن جزیه و اسلام آوردن، جوامع مغلوب را مختار کرده‌اند، در اینجا مسئله مسلمان کردن منتفی می‌شود، حکم فقهی سالی یکبار جهاد، در عمل توجیهی است برای جوامعی‌ای که این گونه برخورد می‌کنند، در حالی که با سنت پیامبر و آیات قرآن هماهنگی ندارد.

اما صالحی چگونه دیدگاه و احکام فقهی مربوط به جهاد را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد؟ او در وهله اول واژه‌شناسی جهاد و قتال را انجام می‌دهد و تلاش می‌کند نشان دهد که قرآن در چه شرایطی جنگیدن را لازم می‌داند و بعد با استناد به آیات قرآن نشان می‌دهد که جنگ‌های پیامبر دفاعی بوده است و نیز قرآن تحمیل عقیده را قبول ندارد و برای عقیده تحمیلی ارزشی قائل نیست. صالحی با منابع مشترک در بیش و روش همانند با فقهای طرفدار جهاد ابتدایی به گفت و گو می‌نشیند.

روش اصولی - استدلالی فقهی با روش تطبیقی - تأویلی با وجود تفاوت روشی با یکدیگر به نتایج مشترکی می‌رسند که این نتایج بسیار مهم است، البته به تفاوت این دو دیدگاه در جای خود خواهیم پرداخت.

#### نتیجه بحث در مورد جهاد در اسلام

با چنین دیدی، مفهوم جهاد کردن به معنی به راه انداختن جنگ برای مسلمان کردن دیگران ربطی به اسلام و سنت پیامبر ندارد، در نتیجه نمی‌توان افراد یا جامعه‌ای را به اسلام دعوت و سپس به بهانه عدم تمکین به جنگ یا آنها اقدام کرد. صالحی اثبات می‌کند که جهاد ابتدایی حتی آزاد بیخس آن، امری نادرست است، در نتیجه انسان‌ها در اسراز عقیده آزادند و از حقوق شهروندی برخوردارند حتی اگر مسلمان نباشند، چرا که وقتی نتوان یک نفر را به اجبار مسلمان کرد پس باید موجودیت فردی او را به رسمیت شناخت و با آن تعامل کرد.

صالحی در فصل‌های بعد نشان می‌دهد که حقوق اسرا، غنیمت در جنگ و اختلاف میان مسلمانان چگونه باید حل و فصل شود که بحث جداگانه و مفصلی می‌طلبد.

ه کتاب جهاد در اسلام، نوشته آیت الله نعمت الله صالحی

نجف آبادی، نشرنی، چاپ اول، ۱۳۸۶.